داکترسیدخلیل الله هاشمیان ۲۰۱۵/۰۹/۲۲

زنده جاودان آصف آهنگ

آصف آهنگ که آهنگ مشروطه خواهی را درجملهٔ مبارزین ملی هفتاد سال قبل بلندکرده بود، هنگامی برحمت حق پیوست که درکشورش ملوک الطوایفی وسوته سالاری هنوزمسلط میباشد. پدرش مرحوم میرزا محمد مهدی خان، شخص دانشمند و صاحب قلم، ازهمکاران نزدیک اعلحضرت امان الله خان وسرمنشی آن پادشاه ترقیخواه بود. قومندان طره باز خان به امر محمد هاشم خان درتاریکی شب خانهٔ او را تلاشی کرد، بهترین کتابها و اثار قدیم قلمی که درکتابخانهٔ محمد مهدیخان بود، حتی همه زیورات وایراق زنانه وقالینهای منزل او رادرتاریکی شب غصب وخودش را بزندان انداخت که بعدأبه دارآویخته شد. مرحوم محمد مهدی خان هیچ گناهی نداشت جزاینکه خواستارعدالت اجتماعی وسلطنت مشروطه بود.
یتیم آصف آهنگ ازمکتب محروم درخانه ای کلان شد که تحت تعقیب ضبط احوالات بود. خواندن ونوشتن را از اقارب خود آموخت ودورهٔ صباوت خودرا بکتاب خواندن سپری کرد ، چونکه اجازهٔ کارکردن رانداشت. محمدهاشم خان بقبرستان رفت وآصف آهنگ توانست شغلی بحیث کاتب درشرکت نساجی پیداکند. آصف آهنگ با حلقهٔ آزادی خواهان و مشروطه خواهان افغان بیامیخت وبحیث یک شاعر با طبع روان خود درحلقه ادیبان وشاعران کشور نیز راه یافت ودوست ویار نزدیک مرحوم یوسف آئینه بود- مرحوم آهنگ با تبارز قریحه و استعدادخاصش ازرتبهٔ کتابت بمقام ریاست نساجی ارتقاء یافت.
اشعار آهنگ درجراید کشورچاپ میشد- هنگامیکه(شعرنو) درجراید ومجلات کشور تازه سرکشیده بود، من از مرحوم آهنگ که دو سه قطعه شعر او بشکل شعرنو درمجلهٔ زوندون چاپ شده بود تقاضاکردم پیرامون تحول شکل شعر درافغانستان برای یکعده محصلین پوهنحی ادبیات درمدت دوساعت درس صنفی یک کنفرانس تهیه کند- موصوف دعوت مرا لبیک گفت و کنفرانس بسیار جالب وآموزنده ای ایراد نمود. مرحوم آصف آهنگ مرا گاهگاهی درمجالس شاعران ومشروطه خواهان دعوت میکرد که بحیث " ناظر وسامع" اشتراک میکردم. دردورهٔ مهاجرت ، مرحوم آصف آهنگ از کانادا همیشه با مجلهٔ آئینه افغانستان تماس همکاری داشت و مقالات و اشعارشان درین مجله بیادگارمانده اند.مرحوم آصف آهنگ درحدود بیست وپنج سال اوائل عمر خود را در محرومیت سپردی کرده ودرمهاجرت نیز همیشه از داغ دوری وطن میسوخت . آصف آهنگ یک غنیمت بزرگ فرهنگی بود وامیدوارم جوانان ودانشمندان افغان بداخل وخارج وطن زندگینامهٔ این شاعرمبارز وفرهیخته را بشکل کتابی در آورند که سزاوار شخصیت وجهانبینی او باشد.
.وفات مرحوم محمدآصف آهنگ را یک ضایعهٔ ادبی دانسته، روحش راشاد وجنت برین راماوایش میخواهم. یک مثنوی حماسی آن مرحوم را که بدستخط خودش نزدمن میباشد، و عنوان آن ""بیاد ام البلاد بلخ"" است، اینک بخوانش هموطنانش میرسانم:

بیاد ام البلاد بلخ

زکابل سوی بلخ گشتم دوان ++++ بیاد فریدون روشن روان
بیاد همان سر زمین بزرگ ++++ به گاه "منوچهر" شاه بزرگ
ز مرگ پدرسخت آمد بجوش ++++ بزد نعره ای ازدل پرخروش
نه توران مانم نه سلم ونه طور ++++ کنم روس وبلغاریکسربه گور (1)
جهان را چوپاک ازاهریمن کنم ++++ و آئین زردشت روشن کنم
بسی کُشت ازآن دشمن نا بکار ++++که برجاست نامش ازآن روزگار
@@@@
ندانسته از دفتر باستان++++ نبرده سَبّق مر ازآن داستان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

"سکندر" بخواری درین ملک مُرد++++ بجزمشتی خاکی ازینجا نبُرد
"برژنف" بیاد سکندر فتاد++++ که پا از گلیمش برون بر نهاد
خیال تجاوز به سر پروریدد++++ فریب هوس خورد وعقلش رمید
بدل گفت یک لقمه ای بیش نیست++++مرین مملکت راچومن خویش نیست
@@@@

بفرمود تا لشکر آراستند ++++ زمسکو نفر تا یورپ خواستند
به تانک و به توپ و به طیاره ها ++++ زبمب و ز را کت زخمپاره ها
فرود آمدند از زمین وهوا ++++ بنام رفیق و به رسم وفا
به تبلیغ بیحد به سود شمال ++++ رفیقان نمودند توزیع مال
سرراه شان هرچه آمد پدید ++++ چو غول بیابان همه بر درید
زنان را سر وسینه بشکافتند ++++ ز خون جوان لاله ها کاشتند
@@@@

ز روسان درستی نیاید بکار ++++ که مانده ست ضرب المثل یادگار
کژی پیشه دارند و خوئی درشت ++++ زند برسرحق به کوپال مُشت (2) (3)
@@@@

بخندید برتانیای کبیر++++ که من گفته بودم به این گرگ پیر
که ما اندرین راه قربان شدیم ++++ به کام پلنگان و شیران شدیم
@@@@

سپهبد ذبیح پور اسفندیار ++++ گرفته بکف چون علی ذوالفقار (4) (5)
که این سرزمین جای شِران بُدی ++++ کنام عقاب و هژبران بُدی (6) (7)
@@@@

کجا شد "گیو"، چه شد پور"زال"++++ چه شد کاوه و آرش خوش سِگال (8)
کجا شد سپهدار فرزند طوس ++++ که شهنامه را گفت با طبل وکوس (9) (10)
مگر آن دلیران بخواب اندرند ++++ که خرسان به جرات به ما بنگرند (11)
@@@@

قیا مت بپا شد قیام آ فرید ++++ عقابان شد از کوهساران پدید
بزائید همی ما د ر انقلاب ++++ سبک خیز طفلی درین پیچ و تاب (12)
بمیدان چو شیر و بدریا نهنگ ++++ به کوه ها هژبر وبه جنگل پلنگ (13)
که ما پور گِروان این کشوریم ++++ ستا یشگر ایزد د ا و ر یم (14)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

"هرآنکوبه اسلام جنگ آ و ر د ++++ سرش را خدا زیر سنگ آورد"
بِزد در صف دشمنان چون پلنگ ++++ جلال جوانشیر و لالا ملنگ
که ما پورگُردان این کشوریم ++++ ستا یشگر ایزد د ا و ریم (15)
بسی پشته کرد ند از کُشته ها ++++ ز میهن فروشان و روس دغا (16)
بجان عدو آتش اند ر فگند ++++ بخاک و بخون روس را برفگند
همی گفت روسان به گاهِ گریز++++ که صلح بود بهتر از گریز (17)

---

(1) توران و سلم و طور نامهای قدیم شهرها است
(2) کژی بمعنی کج روی ، غلط کاری، خیانت
(3) کوپال (کوبال) بمعنی گرز- یعنی حق وحقیقت رابا گرز میکوبند
(4) ذبیح درینجا بمعنی ذبح کننده، قاتل
(5) پور بمعنی فرزند
(6) شِران بمعنی شیرها (بخاطر وزن بیت حرف/ی/ ازکلمهٔ شیرحذف شده)
(7) کنام بمعنی جایگاه ، آشیانه
(8) سِگال بمعنی اندیشه، فکر
(9) طوس نام شهر مشهد و زادگاه فردوسی است
(10) کوس بمعنی دُهل
(11) خرسان ، خرس ها کنایه است از خرس قطبی که به روسها اطلاق میشود
(12) مادر درینجا بمعنی وطن وزادگاه استعمال شده
(13) هژبر بمعنی شیردرنده – هژبران = شیرها
(14) گِروان بمعنی در گرو قرارداشتن، مدیون بودن
(15) گُردان ، گُرد ها، پهلوان ها
(16) دغا بمعنی دغل، نا راست
(17) گاهِ بمعنی هنگامیکه

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ